

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

## روابط داخل نظام ونحوه کنش در مجموعه مناسبات بین الملل چگونگی هدایت روند سیاسی در کشور نادیده گرفتن مرجع مشروعیت

ویژگی های نشست های بین المللی در مورد کشور ما  
جامعه بسته با ذهنیت های کاملن سنتی  
سبوتاژ امنیتی به کودتا خواهد انجامید  
اولویت امنیتی یا اولویت اقتصادی؟

رشته روابط یا مناسبات بین المللی از جمله رشته هایی محسوب می گردد که پس از تکوین تحولات عظیم جنگ جهانی دوم و دگرگونی های گوناگونی در عرصه روابط بین الدول، بمثابة یک رشته علمی پدید آمده و بسرعت گسترش حاصل نمود. در شرایط و وضعیت کنونی، در بسیاری از دانشگاه های بزرگ جهان، گرایشات مختلف این رشته شامل سیاست خارجی، مطالعات منطقه ایی، سازمان های منطقوی و بین المللی، اقتصاد سیاسی بین الملل و تنوری های روابط بین الدول می گردد. لازم به تذکر است که برخی از گرایشها مانند مطالعات منطقوی معین اکنون بمثابة یک رشته خاص در دانشگاهها تدریس میگردد. موضوع این رشته عبارتست از شناخت و بررسی مسایل مربوط به روابط بین کشورها و نظام حاکم بر روابط بین المللی. ما باید در زمینه روابط بین المللی، تعریف های مشخصی از روابط بین الملل و سیاست بین المللی داشته باشیم. منظور از اصول روابط بین الملل، قانونمندی های رفتار است نه رفتار قانونمند. در واقع اصول روابط، مطالعه قانونمندی رفتار و کنش دولت هاست.

قبل از طرح و بررسی موضوع اصلی مورد بحث، این مسأله قابل تذکر می باشد که روابط بین الملل، بیانگر مناسبات بازیگران جهانی مانند دولت ها و سازمان های بین المللی و دانش مربوط بآن، مطالعه وضعیت رفتاری کشورها با یکدیگر، آنگونه که هست و نه آنطور که باید باشد. این روابط، واقعیت های موجود را بازتاب می دهد و نه حقیقت را. برخلاف حقوق بین الملل که پایبندی دولت ها به قوانین و مقررات بین المللی را نظارت می نماید. روابط بین الملل رفتار کشورها با یکدیگر را مورد بررسی قرار می دهد. بگونه منطقی، حاکمیت های سیاسی منطقه با اصل مستعمره طلبی کشورهای منطقه از هر نوعی که عنوان گردد، بایست مخالفت خویش را ابراز نموده و باتخاذ مشی مشخص و روشنی در مورد ذکر شده با اقدامات عملی متوسل گردند. بگونه مشخص در مورد کشور عزیز ما افغانستان و چگونگی سیر پروسه آغاز شده مصالحه ملی باید یادآور گردید که درواشنگتن، فرستاده ویژه ایالات متحده در امور کشور ما، که بمثابة مشهورترین لابی "طالب" ها شمرده می شود، با عجله و تلاش فراوان در صدد استقبال از اقدام بعدی تروریستها گردید. نباید این واقعیت فراموش خاطر ما گردد که دیپلماسی امریکایی به مثابه یک مجموعه بهم پیوسته، مانع اقدامات تروریستی در کشور ما نگردیده و حتا از حوادث خونین ماهای میزان و عقرب سال پار که در نتیجه آن صدها تن از افراد ملکی کشور بخاک و خون کشیده شدند، نیز درس عبرت نیا موقت. اما بگونه معکوس آن، مأمور کاخ سپید تلاش نمود تا براهمیت گروه "صلح" طالب ها تأکید ورزد. اتخاذ موضع گیری اینچنینی، بار دیگر بروضعیتی که قبلن در کابل شناخته شده بود، صحه گذاشت. فرستاده ویژه ایالات متحده در امور مربوط به کشور ما و رهبر "طالب" ها (که پشتیبانی بیدریغ و سخاوتمندانه

سلسله مراتب قدرت در پاکستان را جلب نموده) و همچنان با فرمانده مقتدر اردوی پاکستان و رهبری سازمان اطلاعاتی و استخباراتی آی. اس. آی. که از مدتها قبل بدینسو، تلاش های تب آلودی بمنظور بی اعتبار نمودن حاکمیت سیاسی کشور ما انجام می دهد، ملاقات نموده و به بحث و گفتگو پرداخت. فرستاده ویژه ایالات متحده در امور کشور ما و "طالب" ها بگونه تکراری و هر کدام بنوبه خویش در بخش های اطلاعاتی - سیاسی، غنی و دسته انتخاباتی اش را بانجام اشتباهاتی از جمله تعلل در رهایی زندانی های "طالب" ها، عدم پاسخگویی به درخواستهای مجدد "طالب" ها و بهانه تراشیدن در امر تدویر مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی و جلوگیری از سهمگیری جنگجویان "طالب" در ساختار دولتی کشور متهم می نمایند. فرستاده ویژه ایالات متحده در مسیر یادشده و سخنگوی "طالب" ها، دولت افغانستان و قوت های مسلح کشور را در مورد انجام بمباران ها و حملات هوایی بر اجتماعات جنگجویان و کشتار بیرحمانه نه تنها جنگجویان، بلکه تداوم کشتار و قتل دستجمعی تعداد بیشماری از اهالی و افراد ملکی کشور مورد سرزنش قرار می دهند.

درواقعیت امر، رئیس جمهوری کشور و اعضای تیمش، بگونه مکرر حداقل هر هفته و در مناسبت های مختلف، بگو نه مشخص، "طالب" ها را به قطع آتش و توقف درگیری های مسلحانه و آغاز مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی فراخوانده و تشویق می نمود. اداره امنیت ملی کشور نیز بویژه در مدت زمان تشدید تنش در مناسبات افغانستان - پاکستان، در ولایت کنر، نیروهای مخالف دولت را مخاطب قرار داده و افزود که رهبران "طالب" ها باید بدانند که آنها افغان اند و در صورت متشنج گردیدن وضعیت و تیره شدن مناسبات افغانستان - پاکستان، باید به نیروها و قوت های مسلح کشور پیوسته و از سرزمین کشور آبایی و اجدادی شدن در قبال تجاوز و زیاده رویهای نظامیان پاکستانی دفاع نمایند. اما رهبران "طالب" ها به پیشنهادهای اینچنینی دولت کشورشان اصلن توجه ننموده، گویی حنا ز شنید ن چنین پیشنهادی ناتوان اند. "طالب" ها از مدتها قبل بر پشتیبانی و مساعدت های پاکستان در امر مبارزه علیه میهن آبایی شان، حساب باز نموده اند. اما رهبران آنها از هرگونه وابستگی شان با استخبارات پاکستان انکار میورزند. در اینمورد جای هیچگونه شک و تردیدی وجود ندارد که "طالب" ها ضرورتی به ایجاد و استقرار صلح و تحکیم ثبات در کشور نداشته و بگونه تب آلودی در صدد کسب قدرت می باشند. اقداماتی از قبیل توقف درگیری در ایام عید و سایر مناسبت های دیگر مذهبی، بمفهوم وسیع کلمه، تغییری در موضعگیری های کلان و عمده "طالب" ها وارد نخواهد نمود. در مجموع بگمان اغلب، همه بامن موافق خواهند بود اگر اظهار گردد که "طالب" ها در امتداد زمان موجودیت شان بمنظور دستیابی با اهداف ستراتیژیک شان، با پشتیبانی بیدریغ و سخاوتمندانه نظامیان پاکستانی و همکاری های فرستاده ویژه وزارت خارجه ایالات متحده در امور کشور ما، به تضعیف حاکمیت کنونی کشور ما مبادرت ورزیده و بگونه ایده آل بدنبال حذف اشرف غنی و تیم همکاران نامبرده از ارگ می باشند. بخاطر باید داشت که جنرال های پاکستانی و رهبران "طالب" ها، بویژه در امر تبادل اسیران دوطرف، بگونه دسیسه آمیزی، بسته اقدامات سیاسی فشار بردولت افغانستان را بویژه طی سال های پسین توسط فرستاده ویژه ایالات متحده به دولت افغانستان تحمیل نموده و بگونه دسیسه آمیزی بانجام اقدامات و تلاش های شان در زمینه متوسل گردیدند. مطابق تعامل و معامله امریکا - "طالب" مورخ ۲۹ ماه فیروزی سال روان، دولت باید برهائی ۵ هزار زندانی "طالب" ها مبادرت می ورزید. "طالب" ها نیز بنوبه خویش برهائی تعداد ۱۰۰۰ تن از نظامیان کشور باید اقدام می نمودند. رهایی زندانیان هر دو جانب در نوع خود، شرطی بمنظور آغاز مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی محسوب گردید.

دولت، در نهایت امر برهائی تعداد ۴۵۰۰ تن از زندانی های "طالب" مشمول ردهای میانه و پایینی موافقت نمود. فهرست زندانیان "طالب"، قبلن به مقامات دولت تحویل داده شده بود. دولت افغانستان در مورد اظهار نمود که در فهرست تهیه شده توسط "طالب" ها، اسمای عده ای از پاکستانی هایی شامل فعالان دستگاہای استخباراتی آن کشور نیز موجود می باشند که در جریان نبردهای مسلحانه از میدان های نبرد های مسلحانه دستگیر و توقیف شده بودند و بر این بنیاد، اشرف غنی از رهایی ۵۰۰ تن از مجموع افراد ذکر شده در "فهرست قطر"، ابا و ورزید. اما فشارهای چند جانبه جامعه بین المللی و بویژه فشارهای مضاعف ایالات متحده توسط فرستاده ویژه آن کشور در امور افغانستان بردولت در مورد رهایی تعداد باقیمانده نیز وارد گردید.

"طالب" ها، رهبری دولت افغانستان را، بویژه در مورد برهم زدن و نقض تفاهم و معامله های امریکا - "طالب" در دوحه و سنگ اندازی در پیروسه صلح میان افغانی و غیره متهم می نمودند. استدلال های متقابل اشرف غنی مبنی بر اینکه تعداد باقیمانده (۵۰۰ تن) زندانی "طالب" از مجموعه "فهرست قطر" در مقایسه با سایر "طالب" ها

بانجام جنایت ها، قتل های سریالی و هدفمند متهم می باشند، از زندان رها نگردیده و در مورد سرنوشت آنها باید محاکم موجود، رسیدگی بعمل آورند. جانب ایالات متحده در مورد متذکره اصلن باقدا می متوسل نگردید.

البته، سیاست "طالب" ها و متصدیان پاکستانی آنها در نحوه برخورد با مسایل کشور ما قابل درک میباشد. چه، در جمع ۵۰۰ تن ذکر شده از مجموعه "فهرست قطر"، بسیاری از اتباع پاکستانی و جواسیس دستگاه های استخباراتی پاکستان نیز قرار داشتند که همه ی شان محکوم باعدام بودند. طرف ایالات متحده در مورد تداخلی ننموده و تصمیم و فیصله نهایی را بر عهده خود افعان ها و اگذار نمود. جانب دولت اصرار میورزید که در صورت رهایی آنها از زندان، هیچگونه تضمینی در مورد عدم بازگشت آنها به میدان جنگ و تداوم نبردهای مسلحانه اصلن وجود ندارد کاین در نوع خود، از جمله معضلات قابل ذکر در وضعیت جاری در کشور محسوب می گردید. در این مورد پرسشی باین شرح مطرح میگرد که آیا اقدامات ایالات متحده و فرستاده ویژه آن کشور برای افغانستان، کشور عزیز ما و شهروندان بلاکشیده آنرا به صلح نزدیک خواهد نمود؟ آیا تلاش های یاد شده بگونه واقعی آن بثمر خواهد نشست؟ آیا گشودن درب های زندان ها بر روی زندانیان "طالب"، گرهی از مشکلات موجود در کشور ما را خواهد گشود؟ قابل یاددهانی می باشد که بر بنیاد اطلاعات و دادهای مقامات رسمی دولت، قوت های مسلح کشور در امتداد ماها ی اسد و سنبله سالروان بتعداد ۱۵ تن از جنگجویان و فرماندهان "طالب" ها که از بند رها گردیده بودند، در جریان جنگ و زد و خوردهای مسلحانه کشته شدند. در این مورد میتوان از یک مورد دیگر نیز یادآوری بعمل آورد که در نتیجه عملیات نظامی قوت های مسلح کشور در ولایت فراه، از کشته شدن مولوی ذبیح الله که سه روز قبل از آن از زندان رها شده و در ضمن، تعهدنامه ای را در خصوص عدم شرکت مجدد در فعالیت های محاروبی بجانب مقامت دولتی نیز سپرده بود، خبر دادند.

چنانچه، در مورد عدم تداوم پافشاری در مورد امتناع از رهایی زندانیان قابل پیشبینی بود، در نهایت امر، اشرف غنی فرمان رهایی ۴۵۰۰ تن از زندانیان "فهرست قطر" را مورد تأیید قرارداد که بخودی خود بمثابة ریختن روغن روی آتش درگیری ها در کشور پنداشته می شود. از جانب دیگر، بنظرمی رسد که لجبازی های اشرف غنی نه بنفع کشور و شهروندان آن، بلکه قبل از همه، متضمن منافع و مصالح کشورهای منطقه می باشد که در صورت حدوث حوادث اتفاقیه در کشور، در مقایسه با کشورهای آنسوی اقیانوس ها، زودتر به یاری ومدد افعانها خواهند شتافت. این مسأله کاملن واضح و مبرهن می باشد که دولت در مجموع، براجماع منطقوی حساب باز نموده است. قابل یاددهانی پنداشته می شود که امنیت کنونی کشور ما، در امتداد مرزها و حدود و ثغور مشخصی، توسط قوت های مسلح کشور تأمین می گردد.

نیاید فراموش نمود که قبل از همه و بیشتر از سایر موارد موجود، تحکیم دستگاه مرکزی اداره دولت در کشور که توسط "طالب" ها و تلاش های نابکار فرستاده ویژه ایالات متحده، در هم ریخته و از کلیه جهات تخریب گردیده و فرو ریختانده شد، کارچندان ساده و بسیطی محسوب نمی گردد. بگفته کارشناسان، فرستاده ویژه ایالات متحده در امور کشور ما که بمثابة مهندس و طراح معامله قطر پنداشته میشود، بدنال هدف های نهایت روشن و واضی از جمله بی اعتبار نمودن دولت برهبری اشرف غنی می باشد. چه، نامبرده در صدد آن است تا "طالب" ها را در رهبری اداره کشور سهیم نموده و با استفاده از چنین وضعیتی، منافع نظامی - سیاسی کشور پاکستان را تأمین نموده باشد. بدین ترتیب، ایالات متحده در پی آن میباشد تا بمنظور کاهش مصارف آن کشور و جلوگیری از تداوم مرگ و میر نظامیان امریکایی، چنانچه بنظرمی رسد در صدد تحویلی محموله ذکر شده به کشور پاکستان کاز مدت ها قبل خواب تسلط و استیلا بر کشور ما را می بیند، اقدام نموده و رضایت خاطر متحد قبلی و گوش بفرمانش (پاکستان) را فراهم نموده باشد. بگمان اغلب که مسأله فوق، عمده ترین مسؤلیت و بخش اساسی تلاش های فرستاده ویژه ایالات متحده در امور کشور ما را تشکیل می دهد.

اما با وجود اینهمه، یگانه مشکل و معضل باقیمانده برای مدعیان سوگند خورده کشور ما که می تواند این دسیسه ها و سناریوهای پشت پرده را خنثا نماید، موجودیت و حضور نیرومند توده های میلیونی افغانستان، شامل جوانان و زنان افغان و قوت های مسلح افغان بحساب می آیند. مردم قهرمان کشور، در امتداد مدت زمانی بیشتر از ۲۰ سال، از عملکردهای قرون وسطایی "طالب" ها جلوگیری بعمل آورده و به مانع عمده ای در قبال تطبیق و اجرای برنامه ها و اجرای خواست ها و آرزومندی های شوم آنها مبدل گردیده و سد محکم و نفوذ ناپذیری را بمنظور مقاومت برحق شان علیه بیگانگان و خودنمأهای بظاهردوست تشکیل نمودند. احتمالن که فرستادگان "طالب" ها، اسلام آباد و فرستاده ویژه ایالات متحده در امور کشور ما بر اصل اطاعت افغان ها از دولت و تحمیل دستور العمل

های شان بمنظور ایجاد شرایط تأمین زندگی و حیات جدید سیاسی در کشور استوار باشد. اما در نهایت امر، مسأله فوق بگونه واضح و روشنی با بی پروایی آنها مواجه گردید.

بیباید این واقعیت مسلم و انکارناپذیر را یادآوری نماییم که بویژه در امتداد تاریخ پرفراز و نشیب کشور ما، هیچ نیرو و قدرت خارجی (حتا حاکمیت های قدرتمند استعماری)، قادر به تسلط و استیلا بر سرزمین کشور ما بمنظور تحت انقیاد قرار دادن خلق های کشور ما نگردیده و با انجام تلاش های مذبحانه درزمینه، گور خود را خود کنده اند. در سرزمین و اراضی مربوط به کشور عزیز ما، چه بریتانیایی ها، چه روس ها و چه امریکاییها با مداخلات پیدا و پنهان شان، گردن های شان را شکستند. بدون کوچکترین شک و شبه ای، وضعیت یادشده در انتظار اردوی مزدور پاکستانی و "طالب" ها نیز می باشد. بویژه آنهایی که خویش را افغان پنداشته، اما در امتداد سال های پسین به کشتن و بستن و بخاک و خون کشیدن هموطنان و همشهریان افغان خویش اندکترین و کوچکترین تردیدی بخویش راه نداده و در تطبیق و اجرای دستور العمل های بیگانگان چه عرق ریزی هایی که ننموده اند. اما بخاطر باید داشت که در افغانستان امروزی، بویژه طی ۲۰ سال پسین با تحول سیستم و مدل دولتی - سیاسی، همراه با باز اندیشی اجتناب ناپذیری که در مورد بسیاری از کلیشهای ارتباطی و نحوه اتحادها و ائتلاف آغاز گردیده است، چنین بنظر میرسد که با کاهش مشارکت آنها در این روند فقط و فقط به سفرهای تکراری نماینده ویژه ایالات متحده در امور کشور ما، کمک نموده و از نشانههای مدرن سازی هر چه ناتمام و اما نهایت مهم کشور، خبری نبوده و در نهایت امر، سبب از دست دادن بسیاری از دستاوردها خواهد شد، زیرا چنین مسیری در گذشتهها توسط انگلیس و شوروی نیز آزمایش گردیده بود.

در شرایط و وضعیت کنونی، بیش از هر زمان دیگر این واقعیت عملن باثبات رسیده است که تمایل ایالات متحده به "طالب" ها، بیشتر از این نمیتواند زمینه های پیروزی و موفقیت آن کشور را در افغانستان فراهم نماید. با تکوین وضعیت اینچنینی، امریکا بدشمن مردم کشور ما مبدل خواهد شد. مطابق برنامه و اشنگتن، اقداماتی بمنظور تغییر روحیه، طرز تفکر، چگونگی افکار عمومی و بویژه تلاشهایی عمدتن در جهت تغییر دادن نوع نگاه نخبگان جامعه افغانی رویدست گرفته شده است. اما عملکردهای فرستاده ویژه ایالات متحده، در امر تغییر و تحول یادشده اثرات منفی و غیر قابل قبولی بجا گذاشت.

برخلاف پیشگویی های بسیاری از تحلیلگران، وضعیت کنونی کشور عزیز ما افغانستان نه گواه تضعیف حاکمیت مرکزی، بلکه برخلاف، شاهد و گواه تحکیم و تقویت حاکمیت سیاسی در داخل کشور می باشد. بدون شک، آرزو و مندی آنها بنمرنرسیده و بگونه ایدالی نتیجه فناخت بخشی نیز برایشان ببار نیآورد. با وجود اینهمه، اما همین دولت کنونی است کامروز کشور را از سقوط در هرج و مرج و بی ثباتی بازمی دارد.

نباید از یاد برد که فروریزی نظام و برهم خوردن سیستم کنونی در کشور سبب شکل گیری و گسترش بحران شده و زیان های جبران ناپذیری را نه تنها برای کشور ما بلکه در مجموع منطقه در پی خواهد داشت.

بر بنیاد دلایل گفته آمده در متن، دول مسؤل کشور های همجوار افغانستان از اقدامات و ابتکار های اشرف غنی، بو یژه مبتنی بر تفاهم منطقوی بمنظور حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور ما، بگونه همه جانبه پشتیبانی و حمایت بعمل می آورند.

یکشنبه ۲۰ ماه میزان سال ۱۳۹۹ خورشیدی